



مطالعه انتقادی دیدگاه‌های مفسران اهل سنت درباره تفسیر آیه ۹۶ سوره طه (داستان سامری)

سید محمود طیب حسینی *

سمیه مقیمی **

چکیده

آیه ۹۶ سوره طه: «قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي»، از فتنه سامری و انگیزه وی برای رواج گوساله پرستی در میان بنی اسرائیل خبر می‌دهد. در تفسیر این آیه شریفه دیدگاه‌های مختلفی از سوی مفسران بیان شده است. مقاله حاضر دیدگاه‌های مفسران اهل سنت در تفسیر این آیه شریفه را بررسی کرده و با روش توصیف و تحلیل در صدد پاسخ به این سؤال برآمده است که مفسران اهل سنت چه تحلیلی از آیه یادشده ارائه داده‌اند؟ با بازخوانی دیدگاه‌های مفسران اهل سنت و تحلیل داده‌ها، دیدگاه مشهور در ۷ محور از ۸ محور مورد بحث در آیه شریفه، نقد، و دیدگاه ابومسلم بحر اصفهانی (۳۲۵ق) به رغم پاره‌ای ابهامات، با تکمله و تصحیحی، درست‌تر شناخته شد. به نظر ابومسلم، که دیدگاه وی مورد اقبال بسیاری از مفسران عقل‌گرای معاصر قرار گرفته، مقصود از «الرسول» در آیه شریفه، حضرت موسی عليه السلام و مقصود از «اثر»، سنت و تعالیم وی در توحید و دینداری، و نه خاک زیر پای اسب جبرئیل، بوده است، بنابراین سامری در پاسخ توییح موسی عليه السلام به وی گفته که او به علم و معرفتی دست یافته که سایر بنی اسرائیل به آن نرسیده‌اند، از این رو برخی از تعالیم وی را ابتدا اخذ و به آن عمل کرده، و چون آن را در سطح درک مردم نیافته آن را با بی‌اعتنایی کنار نهاده و برای مردم خواهان خدای دیدنی (اعراف، ۱۳۶) گوساله را ساخته است.

واژگان کلیدی: کلمه طیبه، آیه ۲۴ سوره ابراهیم، تفسیر ادبی.

* استاد گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: tayebeh@rihu.ac.ir

** دانش‌آموخته سطح چهار تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه: s.moghimivaskas@chmail.ir

مقدمه

یکی از آیات مورد بحث قرآن که دیدگاه‌های مختلف و شگفتی از سوی مفسران فریقین درباره آن مطرح شده، آیه ۹۶ سوره طه است. موضوع این آیات، پاسخ سامری به بازخواست و توبیخ موسی علیه السلام نسبت به وی و بیان انگیزه و هدف ساخت گوساله و سوق بنی اسرائیل به گوساله پرستی است. آیات قبل خبر می‌دهد که در زمان حضور موسی علیه السلام در میقات با پروردگار در کوه طور، سامری قوم را گمراه کرد و مبتنی بر پاره‌ای تفاسیر، با زیورآلاتی که بنی اسرائیل از مصر با خود آورده و به جهت احساس گناه که می‌کردند، آن‌ها را در آتش ریخته بودند، گوساله‌ای ساخت و بر بنی اسرائیل عرضه کرد، درحالی که صدای گاو از آن خارج می‌شد.

بنی اسرائیل هم آن گوساله را معبود خود قرار داده، خدایی را که موسی علیه السلام به آن‌ها معرفی و به ایمان آوردن به آن دعوت کرده بود، فراموش و رها کردند. موسی علیه السلام که در کوه طور از این گمراهی قوم باخبر شده بود، خشمگین نزد قوم آمد، ابتدا بنی اسرائیل، سپس برادرش را نسبت به این انحراف قوم بازخواست و توبیخ کرد (آیات ۸۵-۹۴)، آنگاه نزد سامری آمده او را چنین بازخواست کرد: ﴿قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ * قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي؛ موسی علیه السلام به او گفت: تو چرا این کار را کردی، ای سامری؟! گفت: من چیزی دیدم که آن‌ها ندیدند، من یک قبضه از اثر رسول را برگرفتم و آن را افکندم و این چنین نفسم برای من آراست!﴾.

نقطه مرکزی این آیه که در فهم آیه مشکل ایجاد کرده و دیدگاه‌های مختلفی را از سوی

مفسران برانگیخته، عبارت «فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا» است. روشن است که به تبع این عبارت، بخش‌های دیگر آیه هم دچار اختلاف نظر و تفسیر خواهند بود که نوع تفسیر از آن‌ها نیز ارتباط مستقیمی با عبارت یادشده دارند. باتوجه به گوناگونی دیدگاه در تفسیر عبارت یادشده، موضوع مقاله حاضر، محدود به گزارش و تحلیل و نقد دیدگاه‌های مفسران اهل سنت می‌باشد. بنابراین، مقاله حاضر با روش توصیف و تحلیلی، درصدد پاسخ به این سؤال است که مفسران اهل سنت چه دیدگاه‌هایی در تفسیر عبارت یاد شده از آیه ۹۶ طه ارائه داده‌اند؟ و دیدگاه آنان، به‌ویژه دیدگاه مشهور و رایج میان اهل سنت، چگونه ارزیابی می‌شود؟

در بررسی اکتشافی و اسنادی که از منابع مکتوب و دیجیتال انجام گرفت، پیش‌ازاین، نفتی و توکلی (۱۴۰۲: ۷/۴) در مقاله «أثر الرسول در آیه ۹۶ طه: تحلیل و نقد دیدگاه مفسران فریقین»، به بررسی دیدگاه مفسران فریقین درباره مقصود «أثر الرسول» در آیه شریفه پرداختند و نتیجه گرفتند که اولاً آیه از متشابهات نیست و ثانیاً دیدگاه علامه طباطبائی را در تفسیر آیه شریفه صحیح‌تر دانسته است، مبنی بر این که مقصود از «أثر» طلاهایی است که بنی اسرائیل از مصر با خود آوردند و مقصود از «الرسول» موسی علیه السلام بوده و علت نسبت اثر (طلاها) به موسی علیه السلام این است که آن‌ها به امر موسی علیه السلام، طلاهای فرعونیان را با خود آوردند. تمرکز این مقاله بر بررسی دیدگاه‌های مفسران فریقین درباره عبارت «أثر الرسول» است و سایر بخش‌های آیه که ارتباط تنگاتنگی با عبارت یادشده دارند را بررسی نکرده است. تمایز مقاله حاضر با مقاله یادشده آن است که اولاً به بررسی دیدگاه‌های مفسران اهل سنت اختصاص یافته و به دلیل گستردگی بحث، دیدگاه مفسران شیعه در آن بررسی نشده است، ثانیاً، همه الفاظ و عبارات آیه شریفه که با «أثر الرسول» مرتبط‌اند را به بحث گذاشته است و ثالثاً، با ترجیح دیدگاه ابومسلم اصفهانی، عبارت «أثر الرسول» را بیگانه با ساختن گوساله از زیورآلات بنی اسرائیل و ریختن خاک زیر پای جبرئیل یا اسب وی در آن دانسته است.

سامری

قبل از پرداختن به محتوای اصلی مقاله، بررسی مفاهیمی که دارای اهمیت است، ضروری است؛ اما از آنجا که برخی از واژه‌ها مانند خطب، بصر، قبض، نبض، اثر و رسول در ضمن ارائه دیدگاه‌ها، بررسی می‌شود؛ لذا به منظور پرهیز از زیاده‌نگاری، در اینجا تنها به واژه سامری پرداخته می‌شود.

«سامری» یکی از شخصیت‌های یهودی در قرآن و از بزرگان بنی‌اسرائیل و از نزدیکان (خاله‌زاده) و شاگرد حضرت موسی علیه السلام که با بنی‌اسرائیل از مصر خارج شد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵۲/۱۶). این واژه منسوب به «سامر» یا «سامره»، نام محلی در فلسطین یا اسم قوم و طایفه‌ای در آن زمان بوده است. وی از بنی‌اسرائیل و از نواده‌های شمرون، فرزند یشاکر، چهارمین فرزند یعقوب است (خزائلی، ۱۳۷۱: ۳۵۹؛ شبستری، ۱۳۷۹: ۴۳۰؛ برای دیدگاه‌های دیگر رک: مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲۰۶/۵؛ بلاغی، ۱۳۸۶: ۲۶۲/۱).

دیدگاه مفسران متقدم در تفسیر آیه شریفه

نخستین اظهارنظر در تفسیر آیه شریفه، از سوی مفسران صحابه بیان شده است. در روایتی که سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده، آمده است هنگامی که بنی‌اسرائیل زیورآلات متعلق به فرعونیان را که از مصر آورده بودند، دور ریختند و از طرفی سامری نیز نشانه اسب جبرئیل را مشاهده کرد، مقداری خاک جای سم آن اسب را با خود برگرفت و هنگام ساخت گوساله با طلاها در آتش ریخت و خطاب به آن گفت: پیکری از گوساله و با صدای آن باش و این ساخت گوساله برای آزمایش بنی‌اسرائیل به فتنه بود؛ اما در روایتی که محمد بن سعد از ابن عباس نقل کرده، آمده که چون سامری آن مشت خاک زیر سم اسب جبرئیل را روی زیورآلات در آتش ریخت، آن طلاها به پیکری از گوساله صدا دار تبدیل شد، بعد سامری آن را خدای مردم و خدای موسی علیه السلام معرفی کرد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵۱/۱۶).

مجاهد نیز طبق مضمون روایت نخست ابن عباس، «اثر الرسول» را خاک زیر سم اسب جبرائیل دانسته، با این افزوده که صدای گاو درواقع، صدای نسیم باد بود (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵۱/۱۶). این که سامری خاکی را از جای سم اسب جبرئیل برداشته، به جز مجاهد از مفسران تابعی دیگری مانند قتاده (التیمی، ۱۴۲۵: ۲۷۴/۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۵۱/۱۶) نیز نقل شده است. البته طبری در پاسخ این تردید که آیا ممکن است سامری جبرئیل را دیده باشد، می‌گوید بله ممکن است و نفسش به او القا کرده یا از راه دیگری دریافت که خاک زیر سم اسب جبرئیل را که تأثیرش، ایجاد صدا در آن گوساله بود و جز سامری هیچ فرد دیگری (نه موسی علیه السلام و نه بنی اسرائیل)، از آن اطلاع نداشت (التیمی، ۱۴۲۵: ۲۷۴/۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۵۱/۱۶) را برداشته و موقع ساختن گوساله، در آن ریخته است.

دیدگاه دیگر از ابن مسعود است. اگرچه صریحاً گزارشی از ماجرای آیه و مضمون آن از وی گزارش نشده است؛ اما از او نقل شده که عبارت «فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ» را با صاد (فَقَبَضْتُ قَبْضَةً) قرائت کرده است (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۴۱۰/۲). قرطبی این قرائت را از ابی بن کعب نیز نقل کرده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۴۰/۱۱) که نشان از همسویی دیدگاه ابن مسعود با ابن عباس در تفسیر آیه دارد؛ زیرا «قَبَضْتُ» به معنای برداشتن خاک با سرانگشتان و بر این معنا دلالت دارد که سامری با سرانگشتان، مقداری خاک جای پای جبرئیل یا اسب وی را برداشته و در گوساله ریخته است. مشابه دیدگاه ابن مسعود از حسن بصری نیز نقل شده است (طوسی، بی تا: ۲۰۳/۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۸۰/۱۳).

همچنین از قتاده نقل شده که سامری از بزرگان بنی اسرائیل و از قبیله‌ای به نام سامره بود؛ اما بعد از عبور از رود نیل، وی با گروهی از بنی اسرائیل با قومی مواجه شدند که گرد بت‌هایشان، اجتماع کرده، آن‌ها را عبادت می‌کردند. با مشاهده این صحنه، آن گروه از بنی اسرائیل از موسی علیه السلام درخواست کردند که ای موسی! تو هم برای ما الهی همانند آلهه این قوم قرار بده تا آن‌ها را پرستیم. سامری این خواسته بنی اسرائیل را که دید، آن را مغتنم شمرده و دریافت که بنی اسرائیل گرایش به معبودی دیدنی مثل گوساله دارند و

همین زمینه‌ای شد تا بعداً برای آن‌ها گوساله بسازد (طبرانی، ۲۰۰۸: ۲۵۹/۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۳۹/۱۱).

همچنین گفته‌اند که ابن مسعود عبارت مورد بحث را به صورت «من أثر فرس الرسول» قرائت کرده، یعنی کلمه «فرس» را به آیه، اضافه کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۸۴/۳؛ رسعنی، ۱۴۲۹: ۵۶۰/۴)؛ اما این قرائت در منابع روایی و تفسیری قبل از وی دیده نشده است؛ لذا احتمالاً واژه «فرس» از ناحیه وی یا کسانی، در عبارت آیه گنجانده شده و به وی نسبت داده‌اند؛ بنابراین، همه آنچه از مفسران صحابه و تابعان در تفسیر آیه نقل شده، از ابن عباس، با دو روایت سعید بن جبیر و سعد و قرائت «قبصة» به جای «قبضة» از ابن مسعود و نیز دیدگاهی از مجاهد و قتاده و حسن بصری است. در این روایات درباره معنای «بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا» و قرائت‌های مختلف آن اشاره‌ای نشده است.

معنایی که این مفسران، یعنی ابن عباس، قتاده و مجاهد، از آیه برداشت کرده‌اند، این است که سامری مشتی خاک از زیر سم اسب جبرئیل برداشته و آن را روی زیورآلات موجود در آتش ریخته و آن تبدیل به گوساله‌ای شده که صدای گاو می‌داده است یا مطابق نظر مجاهد، سامری از آن‌ها گوساله‌ای ساخته که صدای گاو می‌داده و آن صدا درواقع، صدای نسیم باد؛ اما شبیه صدای گاو بوده است.

دیدگاه مفسران بعد از عصر تابعیان

تفاسیر قرن دوم به بعد، یعنی از دوره تدوین تفسیر و بعد از آن، گرایش کلی مفسران اهل سنت، به همان تفسیری است که از صحابه و تابعان نقل شده است؛ یعنی سامری مقداری خاک از زیر سم اسب جبرئیل برداشته را در گوساله می‌ریزد و آن صدای گاو می‌دهد؛ اما بخش‌های بیشتری از آیه و قصه ساخت گوساله، مورد اختلاف نظر قرار می‌گیرد. محورهای مورد اختلاف مفسران، عبارت‌اند از: ۱. معنای «بَصُرْتُ» و تفاوت آن با «أَبْصَرْتُ»؛ ۲. موضع رؤیت جبرئیل؛ ۳. دلیل رؤیت جبرئیل توسط سامری و ندیدن

بنی اسرائیل؛ ۴. موضع خاک ریختن در گوساله؛ ۵. نام اسب جبرئیل؛ ۶. راز تعبیر از جبرئیل به الرسول؛ ۷. جاندار شدن گوساله سامری؛ ۸. آرایه‌های زینت بخش نفس سامری و...

بررسی دیدگاه مفسران، از این حکایت دارد که با مسلم انگاشتن دیدگاه تفسیری ابن عباس و قتاده و مجاهد، به پرورش دادن قصه یاد شده روی آورده و به آن شاخ و برگ داده‌اند، بدون آنکه مستندی لفظی از آیه شریفه، برای شاخ و برگ‌گی که به قصه داده‌اند، ذکر کنند.

۱. معنای «بَصُرْتُ»

نخستین مسئله درباره آیه، معنای «بَصُرْتُ» در عبارت «قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ» است. مفسران برای آن دو یا سه معنا بیان کرده‌اند؛ اما تقریباً هیچ تأثیری برای این معانی در تفسیر ندیده‌اند: ۱. دیدن با چشم؛ ۲. دانستن و معرفت پیدا کردن و ۳. زیرکی کردن، تشخیص دادن و آگاه شدن (فَطِنْتُ). البته معنای سوم، به همان معنای دوم برمی‌گردد؛ لذا بسیاری آن را جدا ذکر نکرده‌اند. مطابق معنای نخست، سامری با چشم خود جبرئیل را دیده. مطابق معنای دوم، جبرئیل را شناخته و مطابق معنای سوم، او را شناخته و با زیرکی خود، مقداری خاک از زیرپای اسب او با خود برداشته است (فخررازی، ۱۴۲۰: ۹۵/۲۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۳۹/۱۱؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۶۸/۴).

برخی از مفسران هم هر سه معنا را برای این واژه بیان کرده‌اند (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۴۱۰/۲؛ قشیری، ۱۴۲۸: ۴۷۴/۲). البته هرچه جلوتر می‌آییم مفسران تمایل بیشتری به تفکیک میان معنای «بَصُرَ» و «أَبْصَرَ» نشان داده‌اند. اول بار، فراء (د۲۰۷ق) و ابوعبیده معمر بن مثنی (د۲۱۰ق) و سپس زجاج (د۳۱۱ق)، میان این دو فعل ثلاثی مجرد و باب افعال تفاوت گذاشتند و بعد، بیشتر مفسران متأخر (قرن پنجم به بعد)، به این تفاوت معنا تصریح کردند. به نظر فراء، ابوعبیده و زجاج، «بَصُرَ» به معنای علم و معرفت پیدا کردن یا به

چیزی عالم و بینا شدن و «أَبْصَرَ» به معنایی دیدن با چشم است (فراء، ۱۹۸۰: ۹۸؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۹۵/۲۲). با این حال، مفسران برای این تفاوت معنا، در تفسیر آیه، نقشی ندیده‌اند.

۲. زمان و محل دیدن جبرئیل توسط سامری

از دیگر مسائلی که در تفسیر آیه مطرح شده و مفسران اهل سنت در آن مختلف نظر داده‌اند، زمان و مکانی است که سامری جبرئیل را دیده و شناخته و خاک زیر سم اسب وی را برداشته است. در این باره، دو دیدگاه به تفاسیر راه یافته است:

۱. برخی مفسران اهل سنت، روایتی را از حضرت علی علیه السلام نقل کرده‌اند که زمانی که جبرئیل از آسمان نازل شد تا موسی علیه السلام را با خود به کوه طور و به میقات ببرد، از میان بنی اسرائیل سامری وی را دید و شناخت و هنگامی که آنان به میقات رفتند، سامری مقداری خاک از جای پای اسب جبرئیل برگرفت (فخررازی، ۱۴۲۰: ۹۵/۲۲-۹۶).

۲. روایت دوم که فخررازی آن را به بیشتر مفسران نسبت داده، می‌گوید سامری در زمانی که موسی علیه السلام با بنی اسرائیل از رود نیل می‌گذشتند و فرعون و سپاهیان‌شان تعقیبشان می‌کردند، ناگهان جبرئیل علیه السلام را دیده و شناخته و در همان جا، یعنی در وسط رود نیل که به اعجاز عصای موسی علیه السلام، آب آن شکافته و به خشکی بدل گردیده، مقداری خاک از جای پای اسب جبرئیل برداشته بود (فخررازی، ۱۴۲۰: ۹۵/۲۲-۹۶؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۳۷۶/۷). قرطبی نقل کرده که سامری زمانی جبرئیل را دید که سوار بر اسب ماده برزونه‌ای بوده و به زمین نازل شده، پیشاپیش سپاه سواره فرعون در ورود به رود بزرگ «نیل» قرار گرفته است تا آنان را به ورود رود ترغیب کند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۳۹/۱۱).

نیشابوری نیز همین نقل قرطبی را با اندکی تفاوت آورده است: «بیشتر مفسران معتقدند که سامری جبرئیل را همان روزی دید که دریا شکافته شد، در آن روز جبرئیل سوار بر اسب رمکه بود و فرعون سوار بر اسب حصان و اسب فرعون داخل دریا نمی‌شود، در این هنگام جبرئیل با اسب خود که رمکه بود، در جلو فرعون قرار گرفت و

به سمت دریا حرکت کرد و اسب حصان فرعون نیز به دنبال آن حرکت کرده، وارد دریا شد» (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۶۸/۴).

تصویری که این روایت از دیده شدن جبرئیل توسط سامری به نمایش می‌گذارد، این است که هنگامی که موسی علیه السلام و بنی اسرائیل از نگرانی این که مبدا به دست سپاه فرعون گرفتار شوند، سراسیمه در حال عبور از رود نیل هستند و در همان زمان، فرعون و سپاهیان در تعقیب موسی علیه السلام، بر ساحل رود نیل ایستاده، در اندیشه تعقیب یا عدم تعقیب بنی اسرائیل تردید دارند، ناگهان جبرئیل سوار بر اسبی در لباس سپاهیان فرعون و پیشاپیش آن‌ها، آنان را به ورود به رود نیل ترغیب می‌کند، سامری که احتمالاً در انتهای صف بنی اسرائیل بوده، ناگهان به عقب نگاه کرده، جبرئیل را می‌بیند و می‌شناسد و هنگام حرکت جبرئیل، به عقب دویده، مقداری خاک از زیر سم اسب وی برداشته و به بنی اسرائیل ملحق می‌شود؛ اما فرعون و سپاهیان، با ترغیب جبرئیل، وارد رود نیل شده و غرق می‌شوند.

این تصویر از قصه، مستند به هیچ نقل تاریخی و روایت دینی معتبر نیست و الفاظ آیه نسبت بر آن دلالتی ندارد، و گویا تحت تأثیر روایات تفسیری تصویرپردازی و وارد کتب تفسیر شده است. حتی در برخی روایات، جزئیات بیشتری از این تصویر خیالی بیان شده است. از عکرمه نقل شده که هنگامی که سامری جبرئیل را دید، به دلش افتاد که اگر مشتی خاک از جای پای اسب وی بردارد و آن را روی هر چیزی که بریزد و به آن بگوید باش، آن چیزی که می‌خواهد می‌شود (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۷۵/۵)؛ اما نسفی در تفسیر خود، جزئیات بیشتری از تأثیر خاک زیرپای اسب جبرئیل نقل کرده است. او می‌نویسد: «هنگامی که سامری در پاسخ موسی علیه السلام گفت: من چیزی را دیدم که بنی اسرائیل ندیدند. موسی علیه السلام پرسید تو چه دیدی؟ سامری پاسخ داد: جبرئیل را بر اسب زندگانی دیدم، در این حال به دلم افتاد که مقداری خاک از جای پای اسب بردارم و آن خاک را بر هیچ چیز نیفکنم، مگر آکه از روح و گوشت و خون برخودار شد» (نسفی، ۱۴۱۹: ۹۸/۳).

۳. نام اسب جبرئیل

در منابع بعدی تفسیر، با ذکر نامی برای اسب جبرئیل مواجه می‌شویم. در این منابع، نام اسب جبرئیل را «فرس الحیة»، یعنی اسب زندگانی، گفته‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱/۲۳۹). زمخشری می‌نویسد: «هنگامی که خداوند موسی علیه السلام را به میقات در کوه طور فراخواند، جبرئیل را درحالی که سوار بر حیزوم، اسب زندگانی (فرس الحیة) نزد او فرستاد تا او را به کوه طور ببرد» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳/۸۴).

نیز گفته‌اند که اسب جبرئیل، رمکه بوده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱/۲۳۹؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۴/۵۶۸). قرطبی صفت «ودیق» را برای اسب جبرئیل به کار برده است. «رمکه» اسب ماده پرذون است و پرذون اسب اصیل و نجیب است که معمولاً از آن برای تکثیر نسل استفاده می‌کنند و رمکه اسب ماده این نوع اسب است (جوهری، ۱۳۷۶: ۴/۱۵۸۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۰/۴۳۴) و «ودیق» چارپای ماده‌ای را گویند که زمان بارداری آن رسیده و طالب فحل است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۰/۳۷۲).

سرآنکه قصه‌پردازان، اسب جبرئیل را رمکه و ودیق و اسب فرعون را «حصان» (اسب نر) (زمخشری، ۱۳۸۶: ۶۶) گفته‌اند، این است که جنس این دو اسب را تشویق‌گر فرعون به ورود به دریای نیل نشان دهند؛ یعنی درواقع، فرعون تمایلی به ورود به دریای نیل برای تعقیب موسی علیه السلام و بنی‌اسرائیل نداشت؛ اما این اسب ماده و آماده بارداری، ساخته و پرداخته شده برای جبرئیل بود که در جلو اسب نر فرعون قرار گرفت و آن را به دنبال خود کشید (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۴/۵۶۸) و به دنبال او، سپاه فرعون هم وارد دریای نیل و غرق شدند.

۴. دلیل رؤیت جبرئیل توسط سامری و ندیدن بنی‌اسرائیل

مسئله دیگری که ذهن مفسران را به خود مشغول کرده، آن است که چرا و چگونه از میان همه بنی‌اسرائیل، این تنها سامری بود که وی را دید و شناخت و سایر بنی‌اسرائیل، وی را ندیده و نشناخته‌اند؟ مفسران در این جا، هیچ امتیاز روحی و مقام معنوی در

سامری ندیده‌اند که او را به مرتبه‌ای از کمال رسانده باشد تا موفق به شناخت جبرئیل شود؛ بلکه در این جا هم دچار افسانه‌گویی شده و بدون ذکر مستند تاریخی یا روایی معتبر از شناخت قبلی سامری نسبت به جبرئیل خبر داده‌اند.

از ابن عباس نقل شده که راز آنکه سامری در هنگام عبور از رود نیل، جبرئیل را شناخت، این بود که جبرئیل در نوزادی و کودکی، سامری را غذا و پرورش داده و از او محافظت کرده بود و از همان نوزادی، سامری تصویری از جبرئیل در ذهن خود داشته است، از این رو، هنگام رؤیت وی در هنگام عبور از رود نیل، او را به یاد آورده و شناخته است؛ زیرا هنگام فرمان فرعون به ذبح و کشتن نوزادان بنی اسرائیل، مادر سامری که او را تازه به دنیا آورده بود، فرزند خود را از بیم کشته شدن در غاری رها کرده و هرگز سراغ وی نیامده تا آل فرعون از وجود باخبر نشوند و از کشته شدن مصون بماند.

در آن زمان، فرشتگان فرزندان رها شده را برمی‌گرفته و آنان را غذا می‌دادند تا به مرتبه رشد و بلوغ برسند و با مردم معاشرت کنند و این جبرئیل بود که سامری، نوزاد رها شده را در برگرفت و دست خود را در دهان او می‌گذاشت و سامری از دست جبرئیل، عسل و شیر می‌نوشید و تا اندازه‌ای رشد کرد که جبرئیل را شناخت (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۶۹/۴؛ شیخ‌زاده، ۱۴۱۹: ۵/۶۵۳؛ ماوردی، بی‌تا: ۳/۴۲۳).

ابومسلم اصفهانی در نقد این روایت گفته است: «این که بگوییم از میان همه بنی اسرائیل تنها سامری وی را دیده و شناخته، بی‌دلیل و قرینه سخن از غیب گفتن و سخنی تکلف‌آمیز است» (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۶۹/۴).

نیز این که گفته‌اند جبرئیل با غذا دادن به وی، او را پرورش داد و بزرگ کرد نیز بعید است؛ زیرا اگر سامری، جبرئیل را در حال کمال عقلش شناخته باشد، قطعاً او با این کمال عقل درک می‌کند که موسی عليه السلام هم پیامبر صادق خداست و هرگز درصدد گمراهی مردم برنمی‌آید و اگر او را در حال بلوغ نشناخته باشد، چه سودی در این نکته است که جبرئیل در زمان کودکی پرورش دهنده او بوده است (قاسمی، ۱۴۱۸: ۷/۱۴۵).

۵. موضع خاک ریختن سامری در گوساله

مسئله دیگری که مفسران به آن پرداخته‌اند، این است که سامری آن خاک متبرک را در کجای گوساله ریخت که گاو صدادر شد؟ در تفاسیر، به این سؤال فرضی، پاسخ‌هایی داده شده است. یک تفسیر معقول‌تر از مفسر عقل‌گرای تابعی نقل شده که تلاش می‌کند تفسیرش کمتر متأثر از اسرائیلیات باشد. وی گفته که سامری آن خاک را بر روی زیورآلاتی که در آتش، در حال ذوب شدن بود، ریخت و آن زیورآلات را در قالب یک گوساله، قالب‌ریزی و تراشکاری کرد، به‌طوری‌که صدای گاو از آن بلند می‌شد (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۲۷۵/۵). آن صدا در حقیقت، صدای باد بود که با هنرمندی سامری، فضای خالی درون گوساله به‌گونه‌ای طراحی شده بود که وقتی باد از آن عبور می‌کرد، به‌صورت صدای گاو شنیده می‌شد (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲۳۴۹/۴).

تفسیر دیگر، آن است که چون سامری زیورآلات بنی‌اسرائیل را در آتش ریخت و ذوب کرد، به دلش افتاد که اگر آن مشت خاک را روی آن بریزد، آن طلاها به هرچه که او اراده کند، تبدیل می‌شود؛ بنابراین، آن مشت خاک را سریع روی زیورآلات مذاب ریخت و گفت به کالبد گوساله‌ای با صدای گاو تبدیل شود و بی‌درنگ همان شدند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۲۷۶/۵؛ نیز ر.ک: ابوحیان، ۱۴۲۰: ۳۷۶/۷؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۱۶۷/۶). تفاوت این دو دیدگاه، آن است که در دیدگاه نخست از مجاهد، خود سامری که احتمالاً با حرفه طلاسازی و قالب‌ریزی آشنا بوده، طلاها را به‌صورت گوساله قالب‌ریزی کرده است؛ اما مطابق تفسیر دوم، اثر آن خاک متبرک، زیورآلات مذاب را به کالبد گوساله بدل ساخته است. دیدگاه دیگر در این باره، آن است که سامری، بعد از ساخت گوساله، آن مشت خاک را در دهان و مخرج گوساله ریخته و گوساله بر اثر آن صدادر شده است (حجازی، ۱۴۱۸: ۱۲/۲؛ ماتریدی، ۱۴۲۶: ۴۲۳/۷؛ حقی بروسوی، ۱۴۰۵: ۴۲۰/۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰۷/۴). بنابراین، اثر خاک محدود به صدا درآمدن گوساله است. دو تفسیر یاد شده، مبتنی بر این است که مقصود از «اثر الرسول»، خاک زیرپای اسب جبرئیل باشد؛ اما در صورتی که مقصود از

«الرسول»، موسی علیه السلام و مقصود از «اثر»، شریعت و سنت آن حضرت باشد، چنان‌که بعضی مفسران گفته‌اند. در این صورت، مقصود از افکندن آن (نَبَذْتُهَا)، دور افکندن شریعت و سنت موسی علیه السلام و عمل نکردن به آن است (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۴۲۳/۷).

۶. راز تعبیر از جبرئیل به الرسول

مطلب دیگری که ذهن برخی مفسران را مشغول کرده، آن است که اگر مقصود از «الرسول»، جبرئیل است، چرا خدای متعال از وی، به جبرئیل یا روح القدس یا سایر نام‌های وی که در قرآن آمده است، یاد نکرده و به الرسول یاد کرده است؟ در پاسخ، دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است. یک دیدگاه، آن است که راز آیه از جبرئیل به الرسول یاد شده، آن است که خدای تعالی، او را به سوی موسی علیه السلام فرستاده بود (ابن جزی، بی تا: ۱۲/۲). طبعاً این تحلیل، باید از آن مفسرانی باشد که معتقدند جبرئیل علیه السلام سوار بر مرکب، نزد موسی علیه السلام آمد تا وی را به میقات و میعاد با خدا ببرد؛ اما با دیدگاه مفسرانی که معتقدند سامری، جبرئیل را در هنگام عبور از رود نیل رؤیت کرده، ناسازگار است؛ زیرا در آن مرحله، جبرئیل فرستاده شده به سوی موسی علیه السلام نبوده است، تا در سیاق این آیه بتوان از وی به الرسول تعبیر کرد.

برخی از مفسران نیز بیان داشته‌اند که سر آنکه در این آیه شریفه، از جبرئیل به نام‌های خودش یاد نشده و بلکه به رسول یاد شده، آن است که سامری هنگام مشاهده وی، او را نشناخته است (حقی بروسوی، ۱۴۰۵: ۴۲۰/۵) و یا این که همین قدر دانسته که این فرد، فرستاده‌ای روحانی است (شیخ زاده، ۱۴۱۹: ۶۵۳/۵). دیدگاه دیگر از زمخشری است که ابوحیان نیز آن را به نقل از وی بیان کرده است. وی می‌نویسد: «اگر بگویی چرا خداوند در این آیه شریفه، از جبرئیل به رسول نام برد، نه جبرئیل و روح القدس؟ در پاسخ می‌گویم: زیرا هنگامی که زمان رفتن موسی علیه السلام به میقات کوه طور برای دریافت الواح تورات فرا رسید، خداوند جبرئیل را که سوار بر اسب حیزوم که اسب حیات بود، نزد وی

فرستاد تا جبرئیل او را به میقات ببرد... از این جا بود که سامری از جبرئیل به رسول یاد کرد و گفت من مشتی خاک از جای پای اسب آن کسی که به سوی تو فرستاده شده بود، برداشتم. شاید هم سامری جبرئیل را نشناخته که از وی به جبرئیل و روح القدس و... یاد نکرده؛ بلکه از وی به الرسول یاد کرده است» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳/ ۸۴؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۳۷۶/۷).

۷. جاندار شدن گوساله سامری

از دیگر موضوعات مورد توجه مفسران در آیه شریفه، بیان ویژگی های گوساله ای است که سامری آن را ساخته است. آیه شریفه، بیان می کند که سامری برای بنی اسرائیل از زیورآلاتی که از مصر با خود آورده بودند و نسبت به آن احساس سنگینی و وزن می کردند، کالبد گوساله ای ساخت که دارای خوار یا صدای گاو بود؛ اما این که آیا این گوساله، یک مجسمه و کالبد گوساله بوده یا همانند یک گوساله واقعی و جاندار، دارای حیات، گوشت، پوست، خون، رشد و حیات بوده است؟ در برخی تفاسیر اهل سنت، اظهار نظر شده است.

از این که در بیشتر تفاسیر، درباره جزئیات و ویژگی های گوساله سخن گفته نشده، می توان برداشت کرد که از نظر آنان، آنچه سامری ساخته، صرفاً مجسمه گوساله بوده و فقط صدای گاو از آن برمی خاسته و این صدا نیز همان گونه که سید قطب فهمیده، ثمره هنرمندی سامری در ساخت گوساله بوده که در آن فضای خالی و منافذی تعبیه کرده بود که بر اثر جریان باد در آن منافذ، صدای ملایم گاو از آن بلند می شد؛ اما برخلاف این برداشت عمومی در برخی تفاسیر، کیفیت و اوصافی متفاوت و غیرعادی، به آن گوساله نسبت داده شده است.

قرطبی آن گوساله را برخوردار از روح و گوشت و خون معرفی کرده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۳۹/۱۱)؛ اما بعداً در برخی تفاسیر، این نظر به قتاده نسبت داده شده است و پاره ای

مفسران، به آن شاخ و برگ هم داده‌اند. در روایت قتاده آمده است: «... هنگام مشاهده جبرئیل، به دلم افتاد که مقداری خاک از زیر سم اسب وی بردارم؛ زیرا که آن را روی هیچ چیزی نیفکنم، مگر آنکه دارای روح و گوشت و خون، یعنی موجود زنده خواهد شد» (طبرانی، ۲۰۰۸: ۲۵۹/۴). نسفی همین مطلب را بدون انتساب به قتاده؛ اما با توضیح و شاخ و برگ بیشتر آورده است. وی می‌نویسد: «جبرئیل را بر اسب زندگانی دیدم، پس به دلم افتاد که مقداری خاک از جای پای اسب بردارم، چرا که آن را بر هر چیزی بیفکنم، دارای روح و گوشت و خون خواهد شد؛ بنابراین، خاصیت آن خاکی که سم اسب جبرئیل به آن برخورد کرده، زندگی بخشی به هر چیزی است که به آن برسد» (نسفی، ۱۴۱۹: ۹۸/۳؛ شیخ‌زاده، ۱۴۱۹: ۶۵۳/۵؛ حقی بروسوی، ۱۴۰۵: ۴۲۱/۵؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۱۶۷/۶).

این در حالی است که در تفاسیر مشهور روایی اهل سنت، مانند تفسیر طبری، تفسیر کبیر فخررازی و تفسیر ابن‌کثیر، چنین جزئیاتی در روایت قتاده، نقل نشده است. همچنین نقل کرده‌اند هنگامی که خداوند جبرئیل را درحالی که سوار بر اسب بود، به سامری نشان داد، ناگهان سم اسب به جایی گذاشته شد که بر اثر آن، در آنجا گیاه روید و سرسبز شد، از این جا سامری دانست که هر نشانه‌ای از جبرئیل که بر موجود بی‌جان برخورد، دارای حیات می‌شود، این جا بود که سامری مشتی از آن خاک که سم اسب جبرئیل به آن برخورد بود، با خود برداشت و بعد از ساخت گوساله، آن مشت خاک را بر مجسمه گوساله ریخت و گوساله زنده شد و صدایی همانند صدای گوساله داشت (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۷۴/۱۶).

ابن‌عاشور در نقد این سخنان می‌نویسد: «این داستان سرایی‌هایی که درباره اثر خاک زیر سم اسب جبرئیل کرده‌اند، در منابع یهود و اسرائیلیات آمده است و نه در روایت صحیحی نقل شده است؛ بلکه سخنان گذشتگان است و احتمالاً از طریق قصه‌پردازان، در میان مردم نفوذ کرده و به تفاسیر راه یافته است» (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۷۴/۱۶).

۸. چه چیزی ساخت گوساله را نزد سامری جلوه داد؟

در ذیل آیه مورد بحث از زبان سامری، بیان شده که آنچه در ارتباط با ساخت گوساله و غرضش از این کار انجام داده، از ناحیه نفسش برای او آراسته شده است: ﴿وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي﴾؛ و این گونه نفس من (این کار را) در نظرم آراست ﴿طه، ۹۶﴾. این که نفس سامری، چه چیزی را برای او آراست، مسئله‌ای است که بسیاری از مفسران اهل سنت، در تفسیر آیه شریفه، به آن پرداخته و دیدگاه‌های مختلفی درباره آن بیان کرده‌اند. طبرانی نقل کرده که مقصود سامری، این بود که نفسش برایش چنین آراست که مشتی از خاک زیرپای اسب جبرئیل بردارد و آن را در گوساله بریزد. یا این که نفسش این امید را در او ایجاد کرد که گوساله بر اثر ریختن آن خاک تبدیل بهس حیوان خواهد شد (طبرانی، ۴: ۲۵۹/۲۰۰۸؛ نیز نک: نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۶۹/۴؛ قشیری، ۱۴۲۸: ۴۷۵/۲). مفسران با رویکرد عرفانی، تسویل نفس را به حب مقام در سامری تأویل برده‌اند. صاحب «الفوائد الالهیه» با گرایش عرفانی به تفسیر، می نویسد: «سامری گفت: نفسم برای من آراست که با ساختن گوساله و دعوت مردم به پرستش آن، مقتدای مردم گردم و مردم از من پیروی کنند» (نخجوانی، ۱۴۱۹: ۵۲۰/۱).

قشیری نیز آن را به پیروی از هوای نفسانی تأویل برده است (قشیری، ۱۴۲۸: ۴۷۵/۲)؛ اما ماتریدی سه احتمال در این باره نقل کرده است: «یکی آنکه نفس سامری برایش جلوه داد که با ریختن آن خاک متبرک روی گوساله، آن دارای حیات و تبدیل به موجود زنده‌ای می شود. احتمال دوم، آن است که نفس سامری برایش چنین جلوه داد که عادت و طبیعت بنی اسرائیل آن است که چیزی را که نبینند و چشمشان به آن نیفتد، نمی پرستند، به همین جهت، بعد از رهایی از دست فرعون، همین که با قومی بت پرست برخورد می کنند، از موسی عليه السلام درخواست می کنند، همانند آن قوم، معبودی دیدنی برایشان قرار دهد تا او را پرستند (اعراف، ۱۳۸). از این سو، نفسش او را ترغیب کرد گوساله‌ای برای آنان بسازد که با دیدنش، به عبادت آن پردازند. سوم آنکه، با این سخن،

خواست برای همه اقداماتش در ساخت گوساله و دعوت مردم به پرستش آن و... برای موسی عليه السلام عذر آورد» (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۳۰۴/۷).

۴. ارزیابی دیدگاه‌های مفسران

در این بخش، به ارزیابی دیدگاه‌های مفسران اهل سنت و انتخاب دیدگاه مختار می‌پردازیم.

۴-۱ ارزیابی دیدگاه‌های مفسران اهل سنت

آنچه در بیشتر تفاسیر اهل سنت، در تفسیر آیه ۹۶ سوره طه آمده است، در ۸ محور ذیل خلاصه می‌شود: ۱. معنای «بَصُرْتُ»، ۲. زمان و محل دیدن جبرئیل توسط سامری، ۳. نام اسب جبرئیل، ۴. تعیین موضع گوساله که سامری بر آن خاک ریخت، ۵. سر تعبیر از جبرئیل به الرسول، ۶. سر این که فقط سامری جبرئیل را دید و سایر بنی اسرائیل او را ندیدند، ۷. جاندار شدن گوساله، ۸. چیزی که نفس سامری برایش آراست. دیدگاه مشهور و رایج میان اهل سنت درباره ۸ محور بحث، با اشکالاتی مواجه است که پذیرش دیدگاه مشهور و رایج را با مشکل مواجه می‌کند.

به جز برخی موارد جزئی که ذیل برخی محورها به اشاره بیان شد، دیدگاه مشهور در محورهای یادشده، مبتنی بر روایاتی عمدتاً نامعتبر است که نه مستند به تاریخ صحیح است، نه مستند به منابع عهد قدیم و سایر منابع یهودی و نه مستند به روایاتی معتبر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا پیشوایان معصوم است؛ بلکه به احتمال زیاد، قصه‌پردازان با تخیلات خود، این مطالب را بافته و به آیه ارتباط داده و میان مردم رواج داده‌اند و از این طریق، به کتب تفسیر راه یافته است. افزون بر این، دیدگاه مشهور مفسران، با ظاهر و الفاظ و عبارات آیه نیز نه تنها سازگار نیست؛ بلکه الفاظ و عبارات آیه شریفه، آنها را رد می‌کند. ماتریدی در نقل این دست مطالب می‌نویسد: «... در آیه شریفه، هیچ سخنی از خاک و اسب به میان نیامده و هیچ قرینه‌ای مبنی بر این که مقصود از «الرسول»، جبرئیل است

یا غیر آن نیز در آیه وجود ندارد... بنابراین، ما نباید هیچ مطلبی از این اخبار و قصه‌ها، بیش از آنچه الفاظ و عبارات آیه بر آن دلالت می‌کند، به قرآن نیست دهیم و اگر این اخبار و قصه‌ها را به قرآن نسبت دهیم، به مانند آن است که نسبت دروغ به قرآن داده باشیم، بنابراین، به منظور پرهیز از هرگونه نسبت کذب به قرآن، نباید هیچ مطلبی از این اخبار، به جز آنچه در الفاظ و عبارات آیه آمده است، را به قرآن نسبت دهیم؛ مگر مطلبی که از رسول خدا ﷺ نقل شده و صحت آن ثابت شده باشد» (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۳۰۳/۷-۳۰۴).

برخی دیگر از اشکالات دیدگاه مشهور، در تفسیر محورهای یاد شده، عبارت‌اند از:

۱. در مورد محور اول دیدگاه مشهور، «بَصُرْتُ» را به معنی دیدن با چشم تفسیر می‌کند، درحالی‌که دانشمندان نحو و لغت مانند فراء، ابوعبیده، زجاج، راغب اصفهانی و به تبع آن‌ها سایر مفسران و لغویان، «بَصَرَ» را به معنای دانستن، معرفت پیدا کردن و نظیر این‌ها می‌دانند و باب افعال آن (أَبْصَرَ) هم در معنای دیدن با چشم به کار می‌رود و هم علم و معرفت پیدا کردن (ابوعبیده، ۱۳۸۱: ۲۶/۲؛ راغب، ۱۴۱۲: ۱۲۷؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۵۹۱/۲).

بنابراین، مطابق نقل آیه شریفه، سامری در پاسخ موسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌گوید: من علم و معرفتی پیدا کردم که دیگران به این علم و معرفت نرسیدند.

۲. این‌که سامری در هنگام گذر از رود نیل، جبرئیل را دیده و شناخته باشد و سپس از زیرپای اسب او مقداری خاک برداشته باشد، از افسانه‌های ناممکن، متناقض و ناپذیرفتنی است؛ زیرا امکان ندارد جبرئیل فرضی که در پیش روی اسب فرعون حرکت می‌کند تا او را به ورود به رود نیل ترغیب کند، سامری توانسته باشد به او نزدیک و از زیر سم وی، مقداری خاک بردارد و سپس او که همانند سایر بنی اسرائیل پیاده است و نه سواره، توانسته باشد نجات پیدا کند و فرعونیان غرق شوند.

۳. این‌که از میان بنی اسرائیل، تنها سامری جبرئیل را دیده باشد که با اسب یا بدون اسب، به دنبال موسی عَلَيْهِ السَّلَام آمده تا او را به میقات پروردگار ببرد نیز ادامه همان

افسانه‌سرایی هاست. آیات قرآن، بیش از این دلالت ندارد که موسی علیه السلام برای دریافت الواح تورات، به کوه طور و میقات پروردگار رفته باشد و این مستلزم آن نیست که جبرئیل به دنبال آن حضرت آمده باشد؛ بلکه آن حضرت از طریق وحی یا الهام الهی مأموریت یافته که به کوه طور و مناجات پروردگار برای مدت سی یا چهل روز برود.

به علاوه در هیچ روایت معتبری نیامده است که برای رفتن موسی علیه السلام به میقات، جبرئیل به دنبال موسی علیه السلام آمده باشد. همچنین این که از میان همه بنی اسرائیل، تنها سامری جبرئیل را دیده و شناخته باشد، مستلزم آن است که وی به درجاتی از رشد معنوی رسیده باشد که به چنین توفیقی نائل آید و معمولاً کسی که به این مرتبه از یقین و معرفت برسد، رودرروی پیامبر بزرگ الهی نمی‌ایستد و موجبات گمراهی قوم او را فراهم نمی‌سازد (فخررازی، ۱۴۲۰: ۹۵/۲۲).

۴. این که خاک زیر سم اسب جبرئیل، موجب جاندار و صاحب روح و گوشت و خون شدن گوساله شده باشد، از دیگر افسانه‌های قصه پردازان است که ظاهر آیه آن را رد می‌کند؛ زیرا در آیه شریفه، برای گوساله صفت «جسداً» آمده است و «جسد» در لغت و قرآن، به معنای کالبد بدون روح انسان و غیرانسان به کار می‌رود (راغب، ۱۴۱۲: ۱۹۶: قرشی، ۱۳۷۱: ۳۷/۲؛ طباطبائی، ۱۴۰۲: ۱۴/۱۴۲).

۵. اگرچه در قرآن، واژه «رسول» و جمع آن «رسل»، به صورت نکره در مورد فرشتگان به کار رفته است (فاطر، ۱؛ زخرف، ۸۰؛ تکویر، ۱۹)؛ اما در قرآن، واژه معرفه «الرسول» که ۵۵ بار در قرآن آمده و «الرسل» که ۱۹ بار آمده، همواره در مورد پیامبرانی الهی به کار رفته و در مورد فرشتگان به کار نرفته است؛ بنابراین، مقصود از «الرسول» در آیه نیز به قرینه سایر کاربردهای این کلمه، نمی‌تواند جبرئیل بوده باشد (فخررازی، ۱۴۲۰: ۹۵/۲۲)؛ بنابراین، مقصود از آن، حضرت موسی علیه السلام است (فخررازی، ۱۴۲۰: ۹۵/۲۲؛ طباطبائی، ۱۴۰۲: ۱۴/۱۹۷).

۶. در تفسیر مشهور، مقصود از «أثر الرسول» خاک زیر سم اسب جبرئیل دانسته شده

که مستلزم دو تقدیر در آیه است: یکی «حافر = سُم» و دیگری «فرس = اسب» (مِنْ أَثَرِ حَافِرٍ فَرَسٍ الرَّسُولِ). این تفسیر دو اشکال دارد: اولاً، مستلزم دو تقدیر است و تقدیر برخلاف اصل است و تا آنجا که ممکن است آیه را بدون تقدیر گرفتن واژه‌ای معنا کرد، نباید آیه حمل بر تقدیر شود، ثانیاً، این تفسیر مستلزم آن است که مقصود از «الرسول» جبرئیل باشد و در صورتی که مقصود از «الرسول» حضرت موسی علیه السلام باشد، تفسیر یاد شده از «أثر الرسول» ناپذیرفتنی است (فخررازی، ۱۴۲۰: ۹۵/۲۲).

۷. ابومسلم اصفهانی در نقد تفسیر معروف می‌نویسد: «آنچه مفسران در تفسیر آیه مورد بحث گفته‌اند، با ظاهر هیچ آیه‌ای از قرآن سازگار نیست. گذشته از این که در هیچ آیه‌ای از قرآن، از جبرئیل با تعبیر معرفه «الرسول» یاد نشده، ضمن آن که در این تفسیر، دوکلمه در تقدیر گرفته شده که برخلاف اصل است و این که مفسران گفته‌اند راز این که سامری جبرئیل را شناخت، این بود که در کودکی جبرئیل او را پرورش و غذا داده بود، بسیار بعید است و با فرض این که جبرئیل او را در نوزادی و کودکی غذا داده باشد، چه تأثیری در شناخت اکنون جبرئیل دارد؛ مگر جبرئیل که فرشته بزرگ الهی است، در هر مرتبه، با شکل ثابتی تمثل پیدا می‌کند.»

به نظر فخررازی اگر قرار باشد فرد کافری مانند سامری، به خواص خاک زیرپای جبرئیل پی برده و از آن در ساخت گوساله و حیات بخشی به آن استفاده کرده باشد، این شبهه را پیش می‌آورد که ممکن است موسی علیه السلام نیز همانند سامری، بر خواص چیز دیگری پی برده و معجزاتی که از خود نشان داده، حاصل خواص به کاربردن آن چیز است، نه این که معجزات را از جانب خدا آورده باشد و در این صورت، باب معجزات الهی بسته خواهد شد (فخررازی، ۱۴۲۰: ۹۵/۲۲-۹۶). این اشکال فخررازی قابل مناقشه است، زیرا مطابق ظاهر آیات شریفه سامری مؤمن به موسی علیه السلام بوده و احتمالاً برخی امور غیبی و اسرار ماورائی ایمان و آگاهی داشته است.

۴-۲ دیدگاه ابومسلم اصفهانی در تفسیر آیه شریفه

ابومسلم بحر اصفهانی (د۳۲۲ق) با رد تفسیر مشهور می نویسد: «وجه دیگری می توان در تفسیر آیه بیان نمود و آن این که مقصود از «الرسول» در آیه شریفه، موسی علیه السلام و مقصود از «أثر الرسول»، سنت، آیین و روشی که موسی علیه السلام از جانب خدا آورده و مردم را به آن امر کرده باشد. در عرف هم وقتی می گویند «فلانٌ یقفو أثر فلان»، به این معناست که فلانی از روش و شیوه فلانی تبعیت کرد. بنابراین، مقصود آیه، این است که وقتی موسی علیه السلام به منظور توییح و سرزنش، از سامری پرسید چه امر مهمی و چه انگیزه‌ای، تو را به ساخت گوساله و دعوت مردم به پرستش آن و گمراهی آنان وادار کرد، سامری در پاسخ گفت: من به علم و معرفتی دست یافتم که دیگران به آن نرسیدند و آن این بود که من بخشی از سنت و دین تو را گرفته و از آن تبعیت کردم؛ اما دریافتم که آنچه شما بر آن هستید، حق نیست؛ لذا آن‌ها را کنار گذاشتم (دور ریختم) و این، نفس و هوای نفس من بود که این را برای من آراست و از آن تبعیت کردم. اینجا بود که موسی علیه السلام، او را به عذاب دنیا و آخرتش خبر داد» (فخررازی، ۱۴۲۰: ۹۵/۲۲ - ۹۶).

در باره نظر ابومسلم ممکن است اشکال شود که تفسیر «الرسول» (به صیغه غایب) به موسی علیه السلام که نزد سامری حاضر بوده، خلاف ظاهر آیه می باشد. ابومسلم، خود در پاسخ به این اشکال گفته است: این که شخصی در مواجهه با رئیس خود با صیغه غایب تعبیر کند، امر رایجی است، مثلاً به جای این که بگوید شما چه دستور می دهید، بگوید: امیر چه فرمان می دهد؟ به علاوه، سر این که خدای تعالی به جای تعبیر مثلاً «أثرک» که خطاب به موسی علیه السلام است، به «الرسول» تعبیر کرده، بیانگر این نکته است که خداوند به مخاطب اعلام می کند که سامری، بخشی از آثار و تعالیم فرستاده خدا، نه تعالیم شخص موسی علیه السلام، را کنار نهاده؛ بلکه با بی اعتنایی به دور افکنده است (فخررازی، همان).

فخررازی در باره تفسیر ابومسلم می نویسد: «این تفسیر ابومسلم از آیه شریفه، هیچ

نکته قابل نقدی ندارد، جز این که مخالف با نظر مفسران است؛ ولی به تحقیق نزدیک تر است» (فخررازی، همان).

تفسیر ابومسلم از آیه شریفه، اگرچه مورد اقبال مفسران بعد از وی قرار نگرفت؛ اما بسیاری از مفسران عقل گرای معاصر، به این تفسیر از آیه گرایش یافته و تنها آن را ذکر کرده و یا آن را بر دیگر تفاسیر ترجیح داده اند (ابن عاشور، بی تا: ۱۷۴/۱۶؛ مراغی، ۱۴۵/۱۶؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۱۴۴/۷؛ نووی، ۱۴۱۷: ۳۶/۲؛ طنطاوی، بی تا: ۱۴۵/۹).

نقد دیدگاه ابومسلم

اگرچه بسیاری از مفسران عقل گرای معاصر به تفسیر ابومسلم گرایش یافته اند، و فخررازی آن را تفسیری بی اشکال دانسته، اما اشکالاتی نیز بر این تفسیر گرفته شده است: اولاً، آنگونه که ابومسلم بیان کرده، سامری ابتدا بخشی از تعالیم موسی علیه السلام را اخذ کرده و به آنها عمل کرده، سپس به باطل بودن آن بصیرت و آگاهی یافته، و آنها را کنار نهاده و دور افکنده، و به جای آن برای مردم گوساله ساخته است (نک: فخررازی، همان)، در حالی که مطابق ظاهر آیه شریفه، اول بصیرت است، بعد قبض تعالیم موسی علیه السلام بعد نبذ و دور افکندن ﴿قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا﴾، یعنی ابتدا باید سامری به بطلان تعالیم موسی علیه السلام آگاهی یافته باشد، سپس بخشی از تعالیم موسی علیه السلام را گرفته و عمل کند، و سپس به دور افکندن، و این نامعقول است، زیرا با این فرض خدای تعالی باید می فرمود: ﴿قَالَ قَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ، فَبَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَنَبَذْتُهَا﴾، ثانیاً، لازمه تفسیر ابومسلم آن است که آیه شریفه نه بر موحد بودن سامری دلالت کند و نه بر بت پرست بودن وی، یعنی صدر آیه دلالت می کند که سامری موحد نبوده و ذیل آیه، که از زبان سامری می گوید نفسش برای او آراست که گوساله بسازد و مردم را از توحید گمراه کند، بر بت پرست نبودن سامری دلالت می کند، و این با آیه بعد، که موسی علیه السلام خطاب به سامری می گوید: «به

معبود خود که پیوسته در خدمتش بودی بنگر...»، و آشکار بر بت پرست بودن سامری دلالت می‌کند، ناسازگار خواهد بود. (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۴: ۱۹۶)

نقد دوم علامه به نظر وارد به نظر نمی‌رسد، زیرا اولاً روشن نیست که علامه از کجای صدر آیه شریفه فهمیده که بر موحد نبودن سامری دلالت دارد، ثانیاً بر فرض پذیرش برداشت وی، چه منعی دارد که سامری در ابتدا موحد بوده باشد، و سپس با ساختن گوساله و رواج گوساله پرستی میان بنی اسرائیل بت پرست شده باشد. اما نقد نخست علامه بر ابومسلم وارد به نظر می‌رسد. برای حل آن می‌توان تحلیل دیگری از آیه شریفه ارائه داد تا با ترتیب آیه شریفه سازگار باشد و آن اینکه: سامری ابتدا نزد موسی علیه السلام ادعا کرد که به مرتبه‌ای از علم و معرفت نسبت به خدا، موسی علیه السلام و تعالیم آن حضرت، رسیده که سایر بنی اسرائیل به آن نرسیده‌اند، از این رو بخشی از تعالیم و سنت موسی علیه السلام را برای عمل و اعتقاد، اخذ کرد، و چون آنها را در سطح فهم و درک مردم نیافت (نه اینکه باطل باشد)، مثلاً به این نتیجه رسید که این مردم با خدای نادیدنی که موسی علیه السلام به آنها معرفی کرده ارتباط نیکو برقرار نکرده به درستی او را عبادت نمی‌کنند، از این رو آن بخش از تعالیم موسی علیه السلام در ارتباط با توحید را کنار نهاد و به جای آن، خدای دیدنی، یعنی گوساله را برایشان ساخت. روشن است که مطابق آیه ۱۳۸ اعراف، بنی اسرائیل بعد از عبور از دریا و نجات از دست فرعون، با مشاهده قومی بت پرست، از موسی علیه السلام درخواست خدایی دیدنی، مانند بتان آن قوم کرده بودند، و طبعاً سامری از این سطح فکر مردم و گرایش آنان به خدای دیدنی و بُت آگاهی یافته بوده است؛ بنابراین با توجه به مجموع دیدگاه‌های که در تفسیر آیه شریفه بیان شده است و علی‌رغم برخی ابهاماتی که در دیدگاه ابومسلم وجود دارد، اما با اصلاحی که در دیدگاه ابومسلم بیان شده، روی هم رفته نظر وی در تفسیر آیه شریفه صحیح‌تر به نظر می‌رسد (مکارم، ۱۳۷۱، ۱۳: ۲۸۶).

نتیجه

در این مقاله دیدگاه مفسران اهل سنت در ۸ موضع آیه شریفه ۹۶ طه به بحث گذاشته و ارزیابی شد. به جز محور نخست (معنای «بَصُرْتُ»)، که در تفاسیر مشهور مفسران به ویژه مفسران برخوردار از رویکردهای ادبی عمدتاً دیدگاه صحیحی از آن ارائه داده اند، در هفت موضع بعدی مورد بحث، دیدگاه مشهور و رایج میان اهل سنت مبتنی بر روایات نامعتبر، و بعضاً حدسی و قصه پردازانه به نظر رسید. در میان دیدگاه های مفسران گذشته، ابومسلم بحر اصفهانی معتزلی، با بن مایه های عقلگرایی و ادبی، و با نقد روایات، دیدگاهی کاملاً متفاوت از آیه شریفه ارائه داده، که فخر رازی آن را بدون اشکال معرفی کرده و در دوره معاصر، دیدگاه وی نزد بسیاری از مفسران عقلگرای اهل سنت مقبول افتاده است. بنابه دیدگاه ابومسلم، آیه شریفه بیان می دارد که سامری بعد از آنکه بخشی از تعالیم موسی علیه السلام را اخذ و به آن عمل کرده، ابتدا به نادرستی و بطلان آن بخش علم پیدا کرده و آنها را کنار نهاده و نفسش ساختن گوساله را برای وی آراسته است. این تحلیل ابومسلم با یک اشکال اساسی مواجه است که با ظاهر آیه شریفه، که اول از بصیرت، سپس از اخذ تعالیم موسی علیه السلام، و سپس کنار نهادن آن یاد کرده، ناسازگار است. در نهایت در مقاله تحلیل دیگری، در جهت تکمیل نظر ابومسلم، ارائه شده که اگر پذیرفته شود، دیدگاه ابومسلم از سایر دیدگاه های مطرح شده از سوی مفسران اهل سنت در تفسیر آیه شریفه صحیح تر به نظر می رسد.

منابع

• قرآن کریم

۱. ابن جزی، محمد بن احمد الکلبی (بی تا)، *التسهيل لعلوم التنزيل*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، *التحریر والتنویر*، چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، *التفسیر القرآن العظیم*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۵. ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۶. ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق محمد جمیل صدقی، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
۷. ابو عبیده، معمر بن منی (۱۳۸۱)، *مجاز القرآن*، قاهره: مکتبه الخانجی.
۸. بلاغی، سید عبدالحجت (۱۳۸۶ق)، *الحجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر*، چاپ اول، قم: انتشارات حکمت.
۹. التیمی، یحیی بن سلام (۱۴۲۵ق)، *تفسیر یحیی بن سلام*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، *الصحاح*، تحقیق و تصحیح احمد عبد الغفور عطار، چاپ اول، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۱. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق)، *تفسیر الواضح*، بیروت: دارالجلیل.
۱۲. حقّی بروسوی، اسماعیل (۱۴۰۵ق)، *تفسیر روح البیان*، بیروت: دارالفکر.
۱۳. خزائلی، محمد (۱۳۷۱)، *اعلام قرآن*، تهران: امیرکبیر.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، چاپ اول، بیروت: دارالقلم.
۱۵. رسعنی، عبد الرزاق بن رزق الله (۱۴۲۹ق)، *وموز الكنوز فی تفسیر کتاب العزیز*، مکه: مکتبه الاسدی.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶)، *مقدمة الأدب*، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
۱۷. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چاپ سوم، بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۸. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، *تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم*، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.

۱۹. سید قطب، ابراهیم حسین (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
۲۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۱. شبستری، عبدالحسین (۱۳۷۹)، اعلام القرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۲. شیخ زاده، محمد بن مصطفی (۱۴۱۹ق)، حاشیه محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۰۲ق)، المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد (۲۰۰۸)، التفسیر الکبیر، اردن: دارالکتب الثقافی.
۲۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.
۲۶. طنطاوی، سید محمد (بی تا)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: دار نهضة مصر للطباعة و النشر.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد (۱۹۸۰)، معانی القرآن، تحقیق: احمد یوسف نجاتی، محمد علی نجار و عبدالفتاح اسماعیل شلب، مصر: دارالمصریه للتألیف و الترجمة.
۳۰. قاسمی، جمال الدین (۱۴۱۸ق)، تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۱. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۳. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۴۲۸ق)، لطائف الاشارات، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۴. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق)، تأویلات اهل السنة، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۵. ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، النکت و العیون، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۶. مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا)، تفسیر المراغی، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت - قاهره -

لندن: دارالکتب العلمیه- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

۳۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۹. میبدی، احمد ابن احمد (۱۳۷۱ ش)، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: امیرکبیر.

۴۰. نخجوانی (شیخ علوان)، نعمة الله بن محمود (۱۴۱۹ ق)، الفواتح الإلهية و المفاتيح الغيبية، الغوريه مصر: دار رکابی النشر.

۴۱. نسفی، عبد الله بن احمد (۱۴۱۹ ق)، مدارک التنزیل و حقایق التأویل، بیروت: دارالکلم الطیب.

۴۲. نفتی، زهرا و محمد جواد توکلی (۱۴۰۲)، «اثر الرسول در آیه ۹۶ سوره طه: تحلیل و نقد دیدگاه

مفسران فریقین»، پژوهش نامه نقد آرای تفسیری، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۵۸.

۴۳. نووی، محمد بن عمر (۱۴۱۷ ق)، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۴۴. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق

زکریا عمیرات، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.